



یزدانی، محمدحسین؛ علی‌پور، ابراهیم و محمودی، ایوب (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل هویت محلات شهری با تاکید بر حس تعلق به مکان (مورد مطالعه: محلات سیزده‌گانه حاشیه شهر اردبیل). *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۶(۱۴)، ۳۹-۹.

بررسی و تحلیل هویت محلات شهری با تاکید بر حس تعلق به مکان (مورد مطالعه: محلات سیزده‌گانه حاشیه شهر اردبیل)^۱

محمدحسین یزدانی^۲، ابراهیم علی‌پور^۳ و ایوب محمودی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲

چکیده

پژوهش حاضر که با هدف بررسی هویت محلات شهری با تاکید بر حس تعلق به مکان در محلات سیزده‌گانه حاشیه شهر اردبیل انجام گرفته است، از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی تحلیلی بوده و شیوه گردآوری اطلاعات و داده‌ها، میدانی است. آزمون روایی که در این پژوهش به کار گرفته شده، روایی صوری و محتوایی می‌باشد. جهت حصول پایایی پرسشنامه تحقیق، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که با میزان آلفای ۷۷ درصد، مقدار قابل قبولی را نشان داد. تعداد نمونه انتخابی از حجم جامعه آماری پژوهش ۴۰۰ نفر بوده است که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از آزمون‌های آماری مختلفی استفاده شد. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که بین متغیرهای انسجام و تعامل اجتماعی با حس مکان ارتباط معنی‌دار مثبت و مستقیم برقرار می‌باشد. اما متغیرهای مشارکت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و آگاهی و دانش بر متغیر حس مکان تأثیری ندارند.

کلیدواژه‌ها: هویت؛ حس تعلق؛ مکان؛ محلات شهری؛ محلات سیزده‌گانه اردبیل.

۱- این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی نگارندگان تحت عنوان بررسی و تحلیل هویت محلات شهری با تاکید بر حس تعلق به مکان (مورد مطالعه: محلات سیزده‌گانه حاشیه شهر اردبیل) می‌باشد که در سال ۱۳۹۷ انجام شده است.

۲- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول)، yazdani@uma.ac.ir

۳- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه محقق اردبیلی، alipor_ebi@yahoo.com

۴- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی توسعه دانشگاه آزاد تهران مرکز، ayyoubmahmoudi@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

امروزه محلات شهری با ساختارهای کالبدی، اجتماعی و اقتصادی خاص خود، مکان‌های متمایزی در دل شهرها تشکیل داده و باعث شده افراد ساکن ضمن احساس علاقه به محله، به تامین نیاز در داخل آن تمایل داشته باشند. چنین احساسی نسبت به محل زندگی، احساس تعلق به مکان یا حس شهروندی نسبت به مکان گفته می‌شود (رضویان و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۸). این اصطلاح یکی از مهمترین و اساسی‌ترین مفاهیم مربوط به انسان و محیط است که تمامی توجهات برنامه‌ریزان و طراحان را به خود متمرکز کرده است. مکان عنصر اساسی هویت ساکنین می‌باشد و انسان می‌تواند از طریق ادراک مکان خود را درک کند، یعنی مکان پیش زمینه ادراک هویتی انسان را تشکیل می‌دهد. انسانها از فضاهای مختلف، تصاویر متفاوتی را در ذهن خود حفظ می‌کنند (حبیبی، ۱۳۸۷: ۴۱). خود احساسات می‌توانند بر روی درک انسان از محیط و شکل‌گیری تصویر ذهنی از محل تأثیر بگذارند. یک مکان با حس تعلق بیشتر ممکن است مقیاس‌های مختلفی از جمله یک اتاق یا خانه، آپارتمان، محله، شهر یا کشور را شامل گردد (پرتوی، ۱۳۸۲: ۴۳).

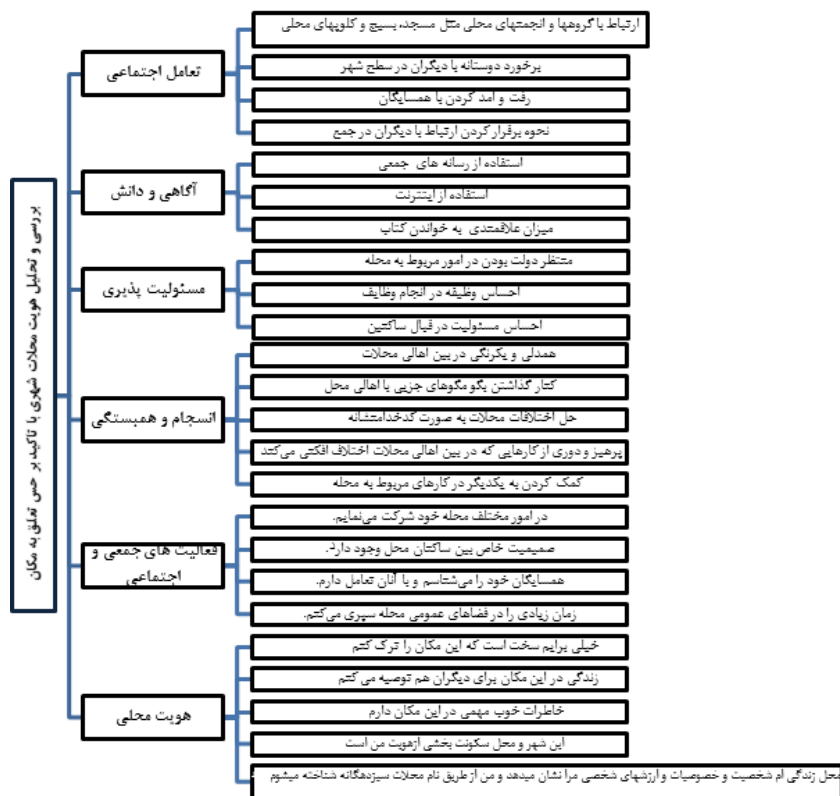
محلات مسکونی از کهن‌ترین میراث‌های شهرنشینی به شمار می‌روند که احساس تعلق ساکنین سبب پایداری آن می‌شود. طی سالهای متمادی محلات بخشی جدا نشدنی از محیط شهری بوده‌اند. لذا بخش عظیمی از بار معنایی و هویتی شهر بر عهده محله‌هاست. محلات می‌توانند احساس هویت و تعلق به محیط را در بین ساکنان گسترش دهند. این احساس می‌تواند روح مشارکت را گسترش داده و سبب بهبود محیط زندگی شود (رحمانی و پورجعفر، ۱۳۹۵: ۲۰). هویت محله‌ای در گذشته نقشی موثر و زمینه‌ساز در روند مشارکتی مردم محله و انجام امور به صورت جمعی داشت. با تحلیلی بر ساختار شهرهای امروزی، می‌توان به این نکته اشاره کرد که قبل از آغاز عصر مدرنیته و شروع تحولات بنیادین، بافت محلات به عنوان تبلور فضایی شرایط اجتماعی - اقتصادی جامعه، از انسجام و همگنی خاصی برخوردار بوده است (غلامی و حیاتی، ۱۳۹۲: ۱۳۲). گسسته شدن محلات و پیدایش فضاهای جدید شهری با معماری بیگانه با فرهنگ بومی، در واقع تبلور فضایی تغییرات مزبور در اوضاع اقتصادی اجتماعی می‌باشد. تغییرات در ابعاد فیزیکی محلات شهری اردبیل از جمله محلات سیزده‌گانه، تأثیر مستقیمی بر روابط اجتماعی و رفتار ساکنین محلات گذاشته، به گونه‌ای که می‌توان آثار آن را در کاهش حس تعلق به مکان جستجو نمود. حس مشارکت ساکنان محله که در گرو وجود احساس تعلق به فضای محله است، در گذشته بسیار شدید بوده و امکان ملاقات و حس همبستگی در محله این احساس را تقویت می‌کرده است. این پژوهش با هدف بررسی هویت

محلات شهری با تأکید به حس تعلق به مکان در محلات سیزده گانه شهر اردبیل که به عنوان سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر اردبیل تلقی می‌گردد را مورد سنجش قرار داده است. هویتی که امروزه کمتر مورد توجه قرار گرفته و این امر به کاهش حس تعلقات مکانی انجامیده است. جهت گریز از مشکلات و معضلات شهری و محله‌ای و تقویت انسجام و همدلی بیشتر میان ساکنین محله، نیاز است که این بعد از هویت محله‌ای تقویت شود. از آنجا که امروزه سکونتگاه‌های غیررسمی به عنوان یکی از انواع مشکلات شهری، تأثیر بسزایی در توسعه پایدار شهری دارند و این نوع سکونتگاه‌ها دارای آثار متفاوتی بر جامعه میزبان (شهر) می‌باشند که می‌توان در کنار آثار اقتصادی و کالبدی، به اثرات اجتماعی _ انسانی آن نیز اشاره کرد که تا به امروز در تحقیقات مختلف کمتر به آن توجه شده است. این سکونتگاه‌ها به لحاظ بعد اجتماعی دارای اثرات گوناگونی بر جامعه شهری می‌باشند. نبود حس تعلق به مکان و مسائل هویتی مترتب بر این امر منجر به نبود تعامل و رابطه اجتماعی بین مسئولان شهری و مردم محلی این سکونتگاه‌ها می‌شود. در صورت ایجاد انگیزه در راستای هویت بخشی به مکان‌های حاشیه شهری و ایجاد حس تعلق به مکان در ساکنین این مناطق و تعامل و رابطه ایجاد شده بین مسئولان شهری و جامعه میزبان می‌تواند موجب توانمندسازی اجتماعی این سکونتگاه‌ها گردد. در همین راستا جهت دستیابی به هدف پژوهش به بررسی رابطه بین دانش و آگاهی، مشارکت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، انسجام و همبستگی اجتماعی و تعامل اجتماعی با حس تعلق مکان پرداخته شده است. همچنین میزان حس تعلق مکان در محلات ۱۳ گانه شهر اردبیل مورد سنجش قرار گرفته است. گویه‌ها و ابعاد مختلف حس تعلق مکان در شکل ۱ آورده شده است.

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- پژوهش‌های تجربی

در زمینه هویت شهرها تاکنون کارهای ارزنده‌ای در قالب‌های مختلف صورت گرفته است. علاوه بر کتاب‌های موجود همایش‌های مختلفی در این رابطه صورت گرفته که مقالات ارائه شده در آنها، به صورت چندین مجموعه مقالات به چاپ رسیده است. در زیر تنها به چند نمونه از مقالاتی که بر روی هویت شهری با تأکید بر تعلق مکانی مطالعه شده است، ذکر می‌شود.



شکل ۱: متغیرهای مدنظر تحقیق به انضمام گویه‌های مترتب بر آن

آکادمی علوم شهری انگلستان در سال ۲۰۰۹، در کتابی با عنوان هویت شهری، آموزش محلی به مسئله هویت شهر و شخصیت شهروندان پرداخته و از تحمیل قواعد توسط شرکت های چند ملیتی انتقاد کرده است و آن را دامی برای از بین رفتن هویت و نقش برجسته معماران محلی می‌داند. در کتاب دیگری با عنوان هویت با طراحی نوشته جرج بوتینا واتسون و لن بنت لی در سال ۲۰۰۷ در دانشگاه آکسفورد، نظر ساکنان دو مکان کاملاً متضاد (پل قدیمی در موستار و املاک مورن شهر آنجل در لندن) را مورد بررسی میزان تعلق ساکنان قرار دادند و عوامل عدم هویت و تعلق مکان را در ساکنان شناسایی و اقدام به طراحی نمودند و ثابت کردند که با شناسایی عوامل ایجاد حس بیگانگی و طراحی مجدد امکان ایجاد هویت در بین ساکنین

وجود دارد. از نظر یان زو، ساختارهای معنایی فضا و محیط ساخته شده برای ایجاد مجموعه‌هایی از کیفیت خاص و به وجود آمدن حس مکان نقش دارد. حس مکان نگرش‌ها، جهان‌بینی‌ها و پیوند معنوی با مکان بستگی دارد. او سه متغیر اصلی حس مکان را خوانایی، ادراک محیط بصری و هماهنگی قرارگاه رفتاری با محیط بصری می‌داند ژو^۱ (۱۹۹۵)، جنیفر کراس (۲۰۰۱)، عوامل مؤثر بر حس مکان را چگونگی رابطه با مکان و حس اجتماع می‌داند و رابطه با مکان را به صورت‌های زندگی‌نامه‌ای، معنوی، عقیدتی، روایتی و وابستگی اجباری دسته‌بندی می‌کند که با عواملی مانند هویت، درونیت و رضایتمندی پنج تراز مختلف از حس مکان را ایجاد می‌کند (فلاح، ۱۳۸۵: ۶۳). اسماعیل و همکاران^۲ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «مالزی» به دنبال کشف ارتباط بین عناصر و ویژگی‌های ساخته شده شهر جدید با هویت ساکنان آن بوده‌اند ایشان با این اعتقاد که شهرهای جدید باید ترسیم کننده هویت متمایز خود از طریق طراحی عناصر فیزیکی‌شان باشند، در نهایت به این نتیجه می‌رسند که حتی با طراحی منحصر به فردی که عناصر شهری (مثل خیابان‌ها، مساجد، مکان‌های عمومی و ...) پوتراجایا دارد نتوانسته حس هویت را در ساکنین خود برانگیزد و این شهر با بحران هویتی مواجه است که ناشی از این موضوع است که ساکنان به سختی به عناصر فیزیکی در مرحله تشخیص یک مکان اعتماد می‌کنند. وارثی و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان بررسی و تحلیل مولفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنان شهرهای جدید گلبهار، به این نتیجه رسیدند که میزان وجود مولفه‌های هویت شهری در شهر جدید گلبهار ۹۱/۶ درصد متوسط به پایین است. همچنین نتایج این پژوهش بیانگر اثبات تاثیر گذر زمان بر هویت بخشی به ساکنان این شهر جدید است. دانشپور و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان تبیین مدل دل بستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن، به این نتیجه رسیدند که دل بستگی به مکان دارای ابعاد مختلف عاطفی، شناختی، عملکردی و رفتاری است و به علاوه این کیفیت بر پایه تعامل پنج عنصر اساسی شکل می‌گیرد که شامل انسان، مکان، مشارکت در فرآیند طراحی مکان، نحوه تعامل انسان و مکان و عامل زمان است.

رهنما و رزاقیان (۳۹۰) در مقاله خود با عنوان نقش آمایش شهری در هویت‌یابی فضایی- کالبدی محور بلوار پیروزی مشهد سه سناریوی متفاوت همراه با اولویت‌بندی و پیشنهادها برای محدوده مورد نظر ارائه داده‌اند. همچنین کافی و فتاحی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان بررسی

1- Xu

2- Esmail

عوامل موثر بر دل‌بستگی به محله مسکونی مطالعه موردی: شهر کرمان به این نتیجه رسیده‌اند که متغیرهای پیوندهای اجتماعی محلی، دسترسی به امکانات و تسهیلات، احساس امنیت و نظم اجتماعی تأثیرات معناداری بر دل‌بستگی به محله مسکونی دارند. همچنین تأثیر غیر مستقیم متغیر مدت اقامت که از طریق پیوندهای اجتماعی محلی صورت می‌گیرد، بیش از تأثیر مستقیم آن بر متغیر وابسته است. در مجموع نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد متغیرهای اصلی پژوهش، ۵۹ درصد از تغییرات دل‌بستگی به محله مسکونی را تبیین کرده‌اند.

وارثی و قنبری (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به بررسی و تحلیل احساس تعلق خاطر و خدمات شهری در شهرهای جدید ایران مطالعه موردی: شهر جدید بینالود پرداخته‌اند. نتایج تحقیق بیانگر نارضایتی شهروندان این شهر جدید از وضعیت خدمات شهری آن است و اکثریت جمعیت شهر جدید بینالود احساس تعلق خاطر بالایی نسبت به آن دارند.

ملکی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به بررسی رابطه میزان همپوشانی حس تعلق به مکان در جمعیت هدف ایلام با مقایسه اثرگذاری متغیر جنسیت پرداخته‌اند. نتایج تحقیق بیانگر این است که میزان حس تعلق به مکان، به میزان احساس امنیت در آن مکان، خصوصیات کالبدی، تأثیرات آن مکان بر برداشت‌های ذهنی و ماندگاری این تصورات بستگی دارد که با تغییر هر کدام از این عوامل، میزان حس تعلق به مکان در افراد تغییر خواهد کرد. در این میان تفاوت‌هایی نیز میان حس تعلق زنان و مردان وجود دارد که به خصوصیات جنسیتی آنها وابسته است.

سرایبی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به بررسی عوامل موثر بر احساس تعلق خاطر ساکنان بافت قدیم شهر کاشان پرداخته‌اند. روش تحقیق مورد استفاده به صورت توصیفی - تحلیلی و پیمایشی بوده است. نتایج تحقیق بیانگر این است که بافت قدیم شهر کاشان در حال حاضر بیانگر هویتی نیست که از ابتدا برای آن تعریف شده و تصویر ذهنی و سیمایی که از این بافت در ذهن ساکنان این بافت‌ها نقش بسته است، به دلیل وضعیت نابسامان و برنامه‌ریزی نشده، آشفته بوده است.

ایزدی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان سنجش ارزش‌های محیطی اثرگذار بر رضایتمندی از محل سکونت، نمونه موردی: محدوده معالی آباد شیراز به این نتیجه رسیدند که بیشتر افراد، رضایتمندی بالایی از محیط سکونت خود در محدوده پژوهش دارند و کیفیت آب و هوا و وجود مناظر طبیعی و باغ‌ها مهمترین نقش را در این ارتباط داشته‌اند. رضویان و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان کیفیت محیط کالبدی و حس مکان، نمونه موردی: دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی تهران به این نتیجه رسیدند که متغیر موقعیت دانشگاه در

بین متغیرهای پانزده‌گانه پژوهش، بیشترین تاثیر را بر حس مکان دانشجویان دارد و بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده است. عناصر محیط کالبدی مانند فضای مناسب برای پیاده‌روی و فضای سبز مشجر نیز بعد از موقعیت دانشگاه، بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند. عقیلی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان ارزیابی هویت اجتماعی در محلات شهری (نمونه موردی: محله اوین شهر تهران) به این نتیجه رسیدند که از نگاه محله‌ای، بعد اجتماعی هویت پایه و اساس شکل‌گیری احساس تعلق مکانی است. هویت اجتماعی ساکنان محله اوین با قدمتی بیش از هزار سال و تمدنی اصیل در پهنه یک محیط شهری، تحت تاثیر شرایطی دچار تحول شده است. هویت اجتماعی در این محله تحت تاثیر کاهش حس تعلق به گروه‌های محلی، کاهش تمایل به زندگی در جامعه محلی و کاهش میزان مشارکت افراد در مراکز فرهنگی - اجتماعی و ورزشی محله بوده است.

جدول ۱: هویت شهری با تأکید بر تعلق مکانی از دیدگاه صاحب نظران

نام صاحب نظر	ویژگی‌ها
رولز بالچ و همکارانش	محلی به مسئله هویت شهر و شخصیت شهروندان پرداخته و از تحمیل قواعد توسط شرکت‌های چندملیتی انتقاد کرده است و آن را دامی برای از بین رفتن هویت و نقش برجسته معماران محلی می‌داند
جرج بوتینا واتسون و لن بنت لی	ثابت کردند که با شناسایی عوامل ایجاد حس بیگانگی و طراحی مجدد امکان ایجاد هویت در بین ساکنین وجود دارد.
یان زو	سه متغیر اصلی حس مکان را خوانایی، ادراک محیط بصری و هماهنگی قرارگاه رفتاری با محیط بصری می‌داند.
کوئین لینچ	عناصر هویت بخشی شهر عبارت‌اند از: راه‌ها و شبکه ارتباطی، لبه‌ها، محله‌ها، گره‌ها و نشانه‌ها که تمامی این‌ها به خوانایی شهر کمک می‌کند. هم‌چنین بعد محتوایی یک شهر اشاره به وجه انسانی، فرهنگی و اجتماعی شهر دارد
جنیفر کراس	عوامل مؤثر بر حس مکان را چگونگی رابطه با مکان و حس اجتماع می‌داند و عواملی مانند هویت، درونیت و رضایتمندی پنج تراز مختلف از حس مکان را ایجاد می‌کند.

۲-۲- چهارچوب نظری

حس تعلق یکی از معیارهای ارزیابی محیط‌های با کیفیت بالا است که توسط طراحان محیطی مورد توجه قرار گرفته است (سختی فر و قدوسی فر، ۱۳۹۵). حس تعلق به مکان را می‌توان به معنای خاص و متمایز بودن، ثابت و پایدار ماندن و به جمع تعلق داشتن دانست. این حس در مردم به واسطه مکانی که در آن به دنیا آمده‌اند و رشد کرده‌اند، شکل می‌گیرد (احمدی و

دیگران، ۱۳۹۳: ۷۱). در واقع این نوع ارتباط با مکان، مردم را به گونه‌ای ماندگار، تحت تأثیر قرار می‌دهد و خاطره مکان و هویت انسان را غنا می‌بخشد (گروس^۱، ۲۰۰۱). نگاه علمی به پدیده پیوند افراد با مکان، مقوله تازه‌ای نیست؛ انواع دیدگاه‌ها در حوزه‌های علمی متفاوت مانند پدیدارشناسی، انسان‌شناسی، روانشناسی محیط، معماری، جامعه‌شناسی، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری برای این مفهوم تعاریف متفاوتی ارائه داده‌اند. در حوزه علوم انسان‌شناسی حس مکان یا دلبستگی محل، روابط نمادین است که توسط افرادی که به طور فرهنگی مشترک هستند تشکیل شده است و معانی عاطفی و موثر به یک فضای خاصی از قطعه زمین که پایه‌ای برای درک و ارتباط با محیط آن فراهم می‌کند را شامل می‌شود. بنابراین، محل دلبستگی بیش از یک تجربه عاطفی و شناختی است و شامل باورهای فرهنگی و شیوه‌هایی است که مردم را به مکان رهنمون می‌سازد (لو^۲، ۱۹۹۲).

تعلق به مکان، فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است. این حس به پیوند فرد با مکان منجر شده و در آن انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و براساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیتها نقشی برای مکان در ذهن متصور می‌سازد و مکان برای او قابل احترام می‌شود (استیل^۳، ۱۹۸۱). از دیدگاه جغرافیا، توپوفیلیا عبارت است از پیوندی عاطفی بین افراد و مکان یا محیط که از لحاظ شدت، ظرافت و روش ابراز متنوع هستند. واکنش به محیط مکان دوست می‌تواند زیباشناختی، لمسی یا هیجانی باشد (توان^۴، ۱۹۷۴). ارتباط با مکان را می‌توان از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داد. برای نمونه از لحاظ مقیاس می‌تواند بسیار بزرگ (کشور - شهر)، متوسط (محله) یا حتی کوچکتر (خانه) باشد (صمیمی شارمی و پرتوی، ۱۳۸۸: ۶۲). آنها می‌توانند ملموس یا سمبولیک، تجربه شده یا تجربه نشده، شناخته یا ناشناخته باشند. در افراد مختلف، روابط حاصل از ارتباط با مکانهای متنوع، حس‌های متفاوت از هم ایجاد می‌کند که به ویژگیهای فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی آن مکان مرتبط است (نگین تاجی، ۱۳۹۰: ۲۶). انواع متفاوت ارتباط با مکان با بازبینی نظرات شامای (۱۹۹۱) توسط کراس، در جدول ۲ آمده است.

طبق بررسی‌های شامای سطوح مختلف حس مکان شامل سه مرحله اصلی تعلق به مکان، دلبستگی به مکان و تعهد به مکان است. او همچنین این حس را در هفت سطح طبقه‌بندی

1- Gross
2- Low
3- Steele
4- Tuan

می‌کند که عبارتند از: بی‌تفاوتی به مکان، آگاهی از فرارگیری در یک مکان، تعلق به مکان، دلبستگی به مکان، یکی شدن با اهداف مکان، حضور در مکان، فداکاری برای مکان. با توجه به این هفت سطح می‌توان گفت که دو سطح اولیه آن، بیشتر به سطوح ادراکی و شناختی فرد نسبت به محیط می‌پردازند. از سطح سه به بعد، ابعاد احساس فرد نسبت به مکان مورد توجه قرار می‌گیرند. رلف به مکان به صورت ناخودآگاه اشاره می‌نماید و اعلام می‌کند؛ ناآگاهانه بودن حس تعلق، زمانی خود را نشان می‌دهد که فقدان یا جدایی فرد و مکان اتفاق بیفتد و حس تعلق دارای طیف وسیعی از بی‌مکانی تا تعلق و همذات‌پنداری شدید با مکان گردد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۲).

جدول ۲: انواع متفاوت ارتباط با مکان

رابطه با مکان	نوع پیوند	فرآیند
بیوگرافیکی	تاریخی و خانوادگی	متولد شدن و زندگی کردن در یک مکان، مکان را به مشخصه‌ای از تاریخچه شخصی فرد تبدیل می‌کند و به مرور زمان گسترش می‌یابد.
روحی- روانی	هیجانی، ناملموس	حس تعلق به جای اینکه ایجاد شود، به سادگی احساس می‌شود توصیف آن دشوار و اغلب غیر منتظره است.
ایدئولوژیکی	اخلاقی و وجدانی	زندگی بر اساس رهنمودهای اخلاقی، که می‌تواند مذهبی و غیر مذهبی باشد، در مورد مسئولیت انسان نسبت به مکان.
روایی	افسانه‌ای	کسب اطلاعات در مورد یک مکان از طریق داستانها، شامل اسطوره‌ها، شجره‌نامه‌های خانوادگی، شرح وقایع سیاسی و افسانه‌ای.
انطباقی	شناختی (براساس انتخاب و مطلوبیت)	انتخاب یک مکان بر مبنای لیستی از ویژگیهای مطلوب و ترجیحات در مورد سبک زندگی، مقایسه مکان‌های واقعی با مکان ایده‌آل.
وابسته	مادی	محدود شدن به واسطه عدم وجود انتخاب و وابستگی به شخص دیگر یا فرصت اقتصادی

محله و هویت

یکی از عناصر اصلی و مهم در ارتقای معنی شهر، محلات شهر است. طی سالهای متمادی، محلات بخشی جدا نشدنی از محیط شهری بوده‌اند. لذا بخش عظیمی از بار معنایی و هویتی شهر بر عهده محله‌هاست که احساس هویت و تعلق به محیط را در بین ساکنان گسترش دهند. این احساس می‌تواند روح مشارکت را گسترش دهد و سبب بهبود محیط زندگی شود (رحمانی و پورجعفر، ۱۳۹۵: ۲۰). مکان فضایی است که برای فرد یا گروهی از مردم واجد معنی باشد.

این تعریف به صورت "مکان = فضا + معنی" بیان می‌شود (هریسون و دوریش^۱، ۱۹۹۶: ۶). به عقیده مولوپونتی، مکان بیش از هر چیز یک ساختار هستی‌شناسی مرکزی از بودن در جهان به سبب نوع هستی ما به عنوان موجودی ضمنی است. ما با بدن‌هایمان محدود شده‌ایم که در مکان باشیم (کاسی^۲، ۱۹۹۳: ۱۵). هویت مکانی به این دلیل بروز می‌نماید که مکان‌ها، چارچوب مهمی را فراهم می‌آورند که هویت در آن شکل گرفته، حفظ شده و تحول می‌پذیرد (مویر^۳، ۳۷-۳۸: ۱۳۷۹). جاکوبز معتقد است که نظریه هاوارد، در توسعه شهرهای امریکا اثرات زیان‌بخشی داشته است، به این صورت که موجب تضعیف روابط اجتماعی بین ساکنین این شهرها شده و محلات یکنواخت و بی‌روحی پدید آورده است (بهزادفر و برین، ۱۳۸۷: ۱۶). به نظر روسو جامعه موفق، جامعه‌ای است که در ذهن شهروندان آن، امور عمومی مهم‌تر از امور اختصاصی‌شان باشد (شارع پور، ۱۳۸۷: ۲۲۶). بر این اساس باید گفت که هویت‌یابی شهری در این جریان نقش کلیدی خواهد داشت و این هویت بعد از انتقال به ساکنین باعث تقویت حس مکانی و از این رهگذر ارتقای حس مسئولیت‌پذیری در ساکن شهر خواهد شد. بدین ترتیب تا زمانی که حس هویت شکل نگیرد از دیدگاه روسو جامعه موفقی وجود نخواهد داشت (همان: ۲۲۶).

تضعیف ساختار محله و کارکردهای اجتماعی آن در شهر، باعث بهم خوردن تناسب محیط فیزیکی و اجتماعی، بی‌هویتی شهری، رواج بی‌شخصیتی، کاهش دوستی‌ها و روابط متقابل صادقانه و عدم شناخت افراد از یکدیگر می‌گردد (موسوی، ۱۳۸۰). می‌توان گفت با توجه به پیوند نزدیک هویت مکان و هویت فرد، هویت محله‌ای به عنوان نظامی شناختی به فرد کمک می‌کند رفتار و زندگی خود در محیط‌های شهری را سامان دهد و توصیف کند. هویت محله‌ای در گذشته نقشی موثر و زمینه‌ساز در روند مشارکتی مردم محله و انجام امور به صورت جمعی داشت. با تحلیلی بر ساختار شهرهای امروزی، می‌توان به این نکته اشاره کرد که قبل از آغاز عصر مدرنیته و شروع تحولات بنیادین، بافت محلات به عنوان تبلور فضایی شرایط اجتماعی - اقتصادی جامعه، از انسجام و همگنی خاصی برخوردار بوده است (غلامی و حیاتی، ۱۳۹۲: ۱۳۲). گسسته شدن محلات و پیدایی فضای جدید شهری با معماری بیگانه با فرهنگ بومی، در واقع تبلور فضایی تغییرات مزبور در اوضاع اقتصادی و اجتماعی می‌باشد.

1- Dourish and Harisson

2- Casey

3- Mouier

رویکردهای چهارگانه نسبت به هویت شهری

یک شهر به‌عنوان مجموعه‌ای از ترکیب عوامل طبیعی، اجتماعی و محیط‌های شناخته شده توسط انسان، که در آن جمعیت ساکن متمرکز شده است (شیعه، ۱۳۸۵: ۴) دارای هویت خاصی است. شهرها با تنوع هویتی‌شان تأثیرات گوناگونی را بر حیات جمعی شهروندان بر جای می‌گذارند (کرد درون‌کلایی و عسگری رابری، ۱۳۸۵: ۳۸۲). در واقع هویت شهری به معنای آگاهی از شیوه‌های رفتاری خاص و معین است که براننده فرد شهری است. در این معنا شهر مجموعه‌ای از الزامات و ضرورت‌های رفتاری بر فرد تحمیل می‌کند که فرد اگر آن‌ها را رعایت نکند دچار اختلال هویتی می‌گردد. در ادامه بحث رویکردهای متفاوتی از مفهوم هویت شهری ارائه داده می‌شود:

هویت شهری به مثابه یکپارچگی و انسجام مؤلفه‌های شهری

پیوستگی هندسی، کیفیتی قابل شناسایی است که کل شهر را از طریق فرم به یکدیگر متصل می‌کند و به‌عنوان پیش‌نیازی برای ایجاد سرزندگی در بافت شهری به حساب می‌آید. فرم شهرهای یکپارچه، باید قابلیت تغییر داشته و منعطف باشد و بتواند تغییر جهت دهد، گسترش یابد و راه‌های آن متراکم گردد بدون آنکه کلیت شهر دچار فروپاشی گردد؛ بنابراین، گروهی از شهرسازان برای آنکه بتوانند در شکل شهر، انسجام ارتباطی ایجاد نمایند، به نوعی آنالوژی یا شبیه‌سازی روی آورده‌اند و الگوهای شهری را به زبان بصری تشبیه کرده و ساختار زبان را با ساختار شهر تطبیق دادند. این گروه معتقدند که رابطه میان اجزای شهر یا کلمات برای تشکیل سلسله مراتبی از کل‌ها یا جملات، باید وجود داشته باشد که بتواند مخاطبان خود را به لحاظ تولید معنی، اقناع نماید. شهرهای امروز به دلیل گسستگی رابطه میان واژه‌ها در شیوه‌ای که بتوان از معانی قابل درکی استنتاج نمود، مشکل‌ساز شده‌اند، زیرا مهم‌ترین اصلی که معنی را شکل می‌دهد نشانه نیست، بلکه آن، یک کل واحد بیان شده است که در ترکیب‌بندی آن نشانه‌ها پدیدار گشته‌اند (کینگ^۱، ۱۹۹۶).

لینچ نیز برای تبیین مفهوم مورد نظر خود در مورد کلیت و یکپارچگی مدلی از شهر سازماندهی ارائه می‌دهد؛ به نظر او اگر شهر، موجودی زنده است، باید دارای ویژگی‌هایی باشد که آن را از یک ماشین متمایز سازد؛ یک موجود زنده، ساختاری منسجم، موزون و مستقل با محدودهای مشخص و اندازه‌ای معین است و درعین حال، پیوند اجزای آن، چنان نزدیک است

که امکان تعیین محدوده آن‌ها به‌طور مشخص وجود ندارد (لینچ^۱، ۲۰۰۱). بر اساس نظریات الکساندر، شکل به تنهایی قادر به ایجاد یک کلیت نیست، بلکه درون فرآیند بودن، به شهر کلیت و انسجام می‌بخشد، به شرط آنکه فرآیند با هدف ایجاد یک کل یکپارچه و منسجم صورت پذیرد که در غیر این صورت، نتیجه معکوس داشته و آسیب‌رسان خواهد شد (همان).

هویت شهری به مثابه هویت شهروندی

کارکرد اصلی شهروندی، اداره جامعه مبتنی بر رعایت حقوق دیگران و تعهد به انجام وظایف به‌منظور حفظ نهادهایی است که این حقوق را برقرار و پایدار نگه می‌دارند (فالكس^۲، ۲۰۰۰: ۱۶۷). سلامت جامعه و تداوم انسجام آن نه‌تنها به عادلانه بودن نهادهای جامعه، بلکه به خصایص، نگرش‌ها، رفتارها و هویت‌های چندگانه اعضای آن وابسته است و نحوه حضور و دخالت افراد در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی، همه در نهادینه شدن هویت شهروندی بازتاب می‌نماید. در این تفسیر، شهر به مجموعه‌ای از هنجارها و قواعد رفتاری خلاصه می‌شود که سبک خاصی از زندگی را در یک قلمرو فضایی (شهر) یعنی شهرنشینی شکل می‌دهد در واقع هویت شهری به معنای آگاهی از شیوه‌های رفتاری خاص و معین است که برآزنده فرد شهری است. در این معنا شهر مجموعه‌ای از الزامات و ضرورت‌های رفتاری بر فرد تحمیل می‌کند که فرد اگر آن‌ها را رعایت نکند دچار اختلال هویتی می‌گردد. به بیان دیگر، احساس تعلق به یک جامعه نتیجه عناصر عینی و ذهنی تشکیل دهنده هویت فرد و دولت است که با ارجاع به مفهوم و مؤلفه‌های «شهروندی» می‌توان آن را شناسایی کرد.

هویت شهری به مثابه هویت تاریخی-زیبایی شناختی

آشفستگی سیمای شهری موجب ناهنجارهای اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، قانونی، اخلاقی، فعالیت، روانی، بصری و محیطی، چه از منظر عینی آن (منظر شهر) و چه از زاویه برداشت‌ها و تصویرهای ذهنی افراد از آن تصویر شهر می‌شود. یکی از بحث برانگیزترین چالش‌ها در ساماندهی سیمای شهر نحوه هویت بخشی به منظر و پیچیده‌ترین مفاهیم این زمینه تعریف ماهیت واژه هویت می‌باشد (کمیلی، ۱۳۹۵: ۲۱۰). واژه منظر شهری در علم شهرسازی مانند واژه شهرسازی علی-رغم آنکه مفهومی قدیمی است که از دیر باز با پیدایش و تکوین شهرها همواره ماهیتاً وجود داشته، اما به عنوان واژه‌ای تخصصی در اواخر قرن نوزدهم با طراحی و

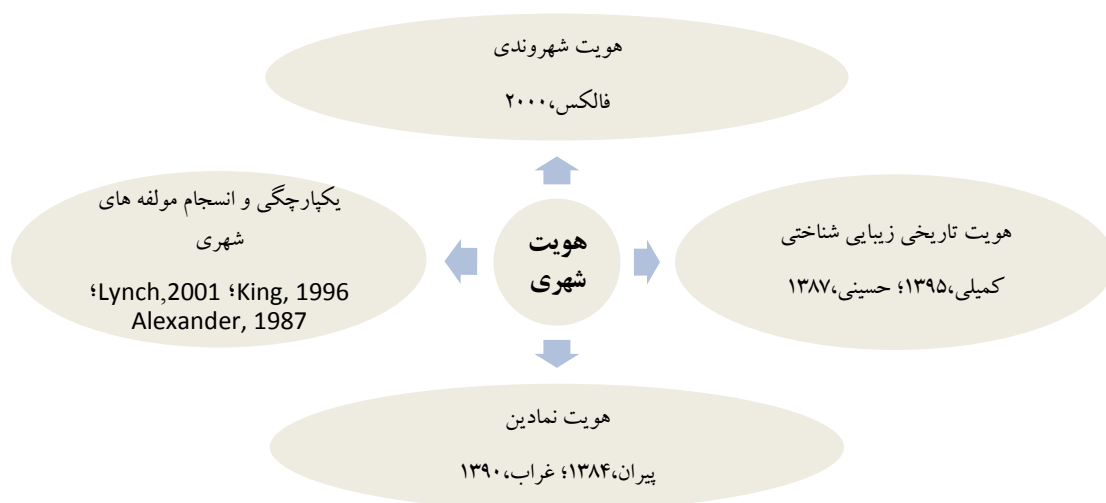
1- Lynch

2- Faulx

اقدامات فردریک لاولمستد پدر معماری منظر، در رابطه با شهرهای آمریکایی مطرح شد (حسینی، ۱۳۸۷: ۸۸ - ۸۳). هاکت برین معماری منظر را در رابطه با معماری ساختمان قادر به تغییر و رشد می‌داند و معتقد است این روند در طول میلیون‌ها سال ادامه داشته و در آینده نیز ادامه خواهد داشت. تغییر و سازگاری منظر با برنامه‌های جدید در ساختار شهری موجود و در انطباق با مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی خاص بوده و محدودیت‌های موجود در چرخه اکولوژی و فرآیندهای زیست‌محیطی عواملی خواهد بود که گرایش‌های فردی را در طراحی محدود خواهد کرد.

هویت شهری به مثابه هویت نمادین

صاحب نظرانی که شهر را چون یک متن تلقی می‌کنند هویت شهری را هویت مکانی فضایی می‌دانند که از سه عنصر تشکیل شده است: متن، محتوا و احساس تعلق و دل‌بستگی. مارکولالی جنبه خاص‌تری از هویت شهری را تعریف کرده، که به عقیده او هویت شهری حاصل پیوند عمیق میان فرد و محیط شهری اوست (وارثی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۴). محیط ساخته شده برای مردم، معانی بالقوه نمادین زیادی دارد. تشخیص این معانی، به طور خودآگاه و ناخودآگاه در ذهنیت مردم نسبت به محیط و نسبت به خودشان اثرگذار است و معانی نمادین در محیط ساخته شده، احساس تعلق مردم را به یک گروه اجتماعی یا یک مکان افزایش می‌دهد (غراب، ۱۳۹۰: ۹۶). به لحاظ پدیدار شناختی، انسان‌ها سعی می‌کنند، محیط اطراف خود را بشناسند و تا حدودی آن را به کنترل خود درآورند. از این طریق انسان‌ها سعی می‌کنند محیط‌ها را خودمانی سازند. از این‌رو، مکان‌ها و فضاها بخشی از ما می‌گردند و از این طریق وجود خود را به درون جهان می‌کشانیم و آن را به اشیای اطراف خود نسبت می‌دهیم (همان: ۱۰۲). در این صورت شکل‌گیری هویت شهری در چنین شرایطی اتفاق می‌افتد.



شکل ۲: رویکردهای چهارگانه نسبت به هویت شهری

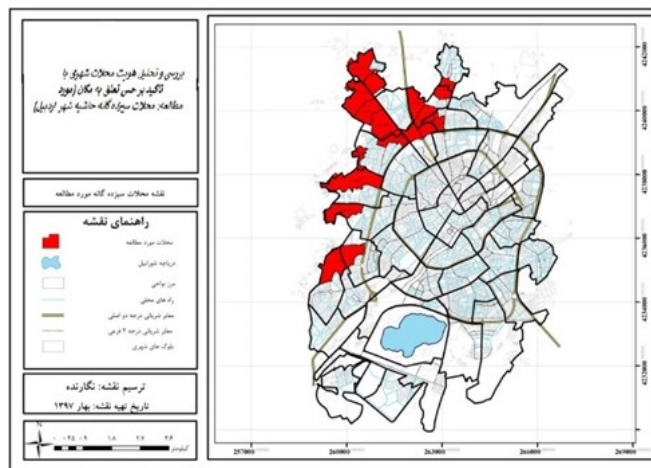
۳- روش تحقیق

نوع تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی - توسعه‌ای و روش بررسی آن توصیفی - تحلیلی است. شیوه گردآوری اطلاعات و داده‌ها، میدانی است. آزمون روایی که در این پژوهش به کار گرفته شده، روایی صوری و محتوایی است. به طوری که پرسش‌نامه‌ها در اختیار اساتید جغرافیای شهری و متخصصین امر قرار گرفت تا مورد آزمون صوری و محتوایی قرار گیرد. همچنین برای سنجش پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. پرسشنامه مورد استفاده میزان آلفای ۷۷ درصد را نشان می‌دهد که مقدار قابل قبولی است. جامعه آماری در این تحقیق شامل ساکنین محلات سیزده‌گانه شهر اردبیل در حدود ۸۴۷۳۲ نفر می‌باشد که با استفاده از روش کوکران ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شد و جهت هر گونه پوشش خطای احتمالی نهایتاً تعداد نمونه به ۴۰۰ نفر ارتقا یافت. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی بود. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده، از روش‌های آماری توصیفی برای تفسیر و ترسیم جداول و استنباطی از جمله ضریب همبستگی پیرسون و مدل رگرسیونی و نیز روش معادلات

ساختاری برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از طریق نرم‌افزار اس پی اس اس^۱ و لیزرل^۲ استفاده شد.

۳-۱- معرفی محدوده مورد مطالعه

محلات سیزده‌گانه در منطقه‌بندی شهری اردبیل جزء مناطق ۳ و ۴ به شمار آمده و در جهت شمال شرقی و شمال غربی شهر اردبیل واقع شده‌اند (شکل ۲). این منطقه ۶۳۶/۲۷۵ هکتار مساحت داشته و ۸۴۷۳۲ نفر جمعیت را در خود اسکان داده است. اطلاعات مربوط به محلات سیزده‌گانه حاشیه شهر اردبیل به قرار جدول ۲ به دست آمده است. در بین محلات سیزده‌گانه محله گلمغان با مساحت ۱۰۱/۷۶۱۰ هکتار و کمترین مساحت مربوط به محله حسین آباد برابر با ۹/۱۲۳۴ هکتار می باشد (جدول ۳). جمعیت ساکن در محلات سیزده‌گانه حاشیه شهر اردبیل در حدود ۸۴۷۳۲ نفر است که بیشترین تعداد جمعیت مربوط به محله سید آباد با تعداد ۱۶۹۶۸ نفر و کمترین جمعیت مربوط به محله مهرآباد با ۸۵۳ نفر جمعیت می‌باشد.



شکل ۳: موقعیت محلات هدف در قالب نقشه مناطق چهارگانه شهر اردبیل

1- Spss
2- Lisrel

جدول ۳: اطلاعات جمعیتی و مساحت محلات سیزده‌گانه شهر اردبیل

نام محله	مساحت محله (هکتار)	جمعیت	موقعیت محله نسبت به محدوده شهر
گلمغان	۱۰۱/۷۶۱۰	۷۸۵۸	داخل محدوده
ملا باشی	۳۷/۳۶۶۹	۲۳۱۷	داخل محدوده
ملا یوسف	۸۴/۴۴۴۲	۶۰۵۶	داخل محدوده
ایران آباد	۶۰/۹۰۰۲	۲۸۹۴	داخل محدوده
مهرآباد	۴۰/۳۳۹۸	۸۵۳	داخل محدوده
اروج آباد	۱۱/۷۳۲۳	۱۹۶۷	داخل محدوده
سید آباد	۸۷/۷۰۶۵	۱۶۹۶۸	داخل محدوده
پناه آباد	۳۹/۶۵۹۲	۸۷۳۴	داخل محدوده
حسین آباد	۹/۱۲۳۴	۲۸۵۷	داخل محدوده
اسلام آباد	۷۳/۹۱۸۰	۱۶۰۴۴	داخل محدوده
کاظم آباد	۲۷/۳۳۳۲	۴۶۸۰	داخل محدوده
سلمان آباد	۲۳/۹۷۹۸	۵۹۹۲	داخل محدوده
میر اشرف	۳۸/۰۱۰۳	۷۵۱۲	داخل محدوده
مجموع	۶۳۶/۲۷۵	۸۴۷۳۲	-

۴- یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر به بررسی و ارزیابی هویت محلات شهری با تاکید بر حس تعلق به مکان در محلات سیزده‌گانه شهر اردبیل پرداخته شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد از نظر نوع جنسیت ۶۸/۸ درصد پاسخگویان مرد و ۳۱/۲ درصد نیز زن می‌باشند. همچنین ۳۵ درصد پاسخگویان زیر دیپلم، ۱۶/۲۵ درصد فوق دیپلم، ۳۲/۲۵ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات لیسانس، ۱۲/۷۵ درصد فوق لیسانس و ۳/۵ درصد نیز دکتری می‌باشند و نیز بیشترین درصد مربوط به گروه سنی ۱۶-۲۵ سال با ۲۶ درصد فراوانی و کمترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۵۶ به بالا با ۱۱ درصد فراوانی بوده است. بررسی وضعیت مالکیت مسکن در محدوده مورد مطالعه بیانگر این است که ۳۸/۸ درصد ملکی، ۲۸/۲ درصد خانه پدري، ۲۲ درصد استیجاری و ۱۱ درصد سایر می‌باشد. بررسی مدت زمان سکونت پاسخگویان در محدوده مورد مطالعه نشان می‌دهد، ۱۵/۲۵ درصد کمتر از ۱۵ سال، ۲۲/۲۵ درصد ۱۵-۲۵ سال، ۱۶/۷۵ درصد ۲۶-۳۵ سال، ۲۰/۲۵ درصد ۳۶-۴۵ سال، ۲۵/۵ درصد ۴۶-۵۵ سال و ۲۴/۵ درصد نیز ۵۶ سال و بیشتر ساکن در منطقه بوده‌اند.

فراوانی و درصد پاسخگویی به سؤالات عامل حس تعلق مکانی محلات سیزده‌گانه نشان می‌دهد، بیشترین میانگین مربوط به سؤال «خاطرات خوب مهمی در این مکان دارم.» با میانگین ۴/۰۵ به معنای حس تعلق مکان زیاد و کمترین میانگین مربوط به سؤال «محل زندگی‌ام شخصیت و خصوصیات و ارزشهای شخصی مرا نشان می‌دهد و من از طریق نام این محلات (سیزده‌گانه) شناخته می‌شوم.» با میانگین ۲/۷۲ به معنای احساس تعلق مکانی متوسط به پایین است. فراوانی و درصد پاسخگویی به سؤالات عامل تعامل اجتماعی به گونه‌ای است که بیشترین میانگین مربوط به سؤال «رفت و آمد کردن با همسایه» با میانگین ۳/۶۸ و کمترین میانگین مربوط به سؤال «ارتباط با گروه‌ها و انجمن‌های محلی مثل مسجد، بسیج و کلوپ‌های محلی» با میانگین ۲/۹۰ است. با توجه به میانگین‌ها در دو حالت تعامل اجتماعی در سطح متوسط به بالا و متوسط ارزیابی می‌شود که با ایجاد انگیزه‌ها و راهکارهای تشویقی لازم می‌توان در ارتقای میزان تعاملات اجتماعی شهروندان در سطح محله همت گمارد. فراوانی و درصد پاسخگویی به سؤالات متغیرآگاهی و دانش به این صورت است که بیشترین میانگین مربوط به سؤال «استفاده از رسانه‌های جمعی» با میانگین ۳/۰۴ و کمترین میانگین مربوط به سؤال «استفاده از اینترنت» با میانگین ۲/۶۶ است. با توجه به میانگین‌ها در دو حالت متغیرآگاهی و دانش در سطح متوسط و کم ارزیابی می‌شود. نتایج تحقیق در مورد متغیر مسئولیت‌پذیری بیانگر این است که بیشترین میانگین مربوط به سؤال «احساس مسئولیت در قبال ساکنین محلات» با میانگین ۳/۳۷ و کمترین میانگین مربوط به سؤال «احساس وظیفه در انجام وظایف» با میانگین ۳/۲۳ است. با توجه به میانگین‌ها در دو حالت متغیر مسئولیت‌پذیری در سطح متوسط به بالا ارزیابی می‌شود. همچنین بررسی وضعیت انسجام و همبستگی اجتماعی در سطح محلات سیزده‌گانه نشان می‌دهد که بیشترین میانگین مربوط به سؤال «کنار گذاشتن بگو مگوهای جزئی با مردم کوی» با میانگین ۳/۵۵ و کمترین میانگین مربوط به سؤال «پرهیز و دوری از کارهایی که در بین اهالی محلات اختلاف افکنی می‌کند.» با میانگین ۲/۸۵ است. با توجه به میانگین‌ها در دو حالت در سطح خوب و متوسط به پایین ارزیابی می‌شود. بررسی عملکرد مشارکت اجتماعی در سطح منطقه گویای این است که بیشترین میانگین مربوط به سؤال «صمیمیت خاص بین ساکنان محل وجود دارد.» با میانگین ۳/۷۱ و کمترین میانگین مربوط به سؤال «داشتن نیروی متخصص و ماهر» با میانگین ۲/۸۵ است. با توجه به میانگین‌ها در دو حالت کارکرد نیروی انتظامی در سطح متوسط ارزیابی می‌شود. طبق نتایج جدول ۴، میانگین حس تعلق مکانی ۳/۳۸، تعامل اجتماعی ۳، مشارکت

اجتماعی ۳/۰۷، انسجام و همبستگی ۳/۲۵، آگاهی و دانش ۳/۳۲ و مسئولیت پذیری ۱/۲۱ می‌باشد.

جدول ۴: شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیرهای تحقیق

آماره	حس تعلق مکانی	تعامل اجتماعی	مشارکت اجتماعی	انسجام و همبستگی	آگاهی و دانش	مسئولیت پذیری
میانگین	۳/۳۸	۳	۳/۰۷	۳/۲۵	۳/۳۲	۳/۰۵
انحراف معیار	۱/۱۸	۱/۰۷	۱/۴۱	۱/۳۶	۱/۶۶	۱/۲۱

۴-۱- بررسی فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: بین حس تعلق مکانی در محلات سیزده گانه اردبیل بر حسب جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۵ به بررسی آزمون میانگین حس تعلق مکانی به تفکیک جنسیت می‌پردازد. ابتدا فرض برابری واریانس دو جامعه بررسی می‌شود با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آزمون (۰/۹۳۰) بیشتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرض صفر (برابری واریانس‌ها) پذیرفته می‌شود. بنابراین جهت بررسی میانگین‌ها از سطر اول جدول (سطر برابری واریانس‌ها) استفاده می‌گردد. در آزمون t مستقل آماره آزمون برابر ۲/۱۵ است. سطح معنی‌داری آزمون ۰/۰۳۲ است. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ است فرض صفر رد شده و با اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت میانگین حس تعلق مکانی زنان و مردان دارای تفاوت معنی‌داری است و با توجه به میزان میانگین میتوان گفت حس تعلق مکانی در بین مردان بیشتر از زنان در محلات سیزده گانه اردبیل می‌باشد. میانگین متغیر حس تعلق مکانی برای زنان برابر ۳/۱۹ و برای مردان برابر ۳/۴۷ است.

جدول ۵: بررسی آزمون t مستقل حس تعلق مکانی به تفکیک جنسیت

میانگین	آزمون برابری میانگین (Independent sample T-test)				آزمون برابری واریانس		فرض برابری واریانس‌ها	
	فاصله اطمینان ۹۵٪		سطح معنی‌داری	آماره t	سطح معنی‌داری	آماره F		فرض عدم برابری واریانس‌ها
	حد بالا	حد پایین						
مرد	زن	حد بالا	حد پایین	سطح معنی‌داری	آماره t	سطح معنی‌داری	آماره F	فرض برابری واریانس‌ها
۳/۴۷	۳/۱۹	۰/۵۲	۰/۰۲۳	۰/۰۳۲	۲/۱۵۳	۰/۹۳۰	۰/۰۰۸	فرض عدم برابری واریانس‌ها
		۰/۵۱۴	۰/۰۲۳	۰/۰۲۶	۲/۲۴۴	-	-	

فرضیه دوم: بین تعامل اجتماعی و حس تعلق به مکان در محلات سیزده گانه شهر اردبیل رابطه معناداری وجود دارد.

طبق نتایج جدول (۶) بین تعامل اجتماعی و حس تعلق به مکان در محلات سیزده گانه شهر اردبیل رابطه معناداری وجود دارد. و نتایج حاصل از آزمون پیرسون بیانگر آن است که با سطح اطمینان ۰/۹۹ و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱، $\text{Sig}=0/000$ ، فرضیه مورد نظر تأیید می شود و ضریب همبستگی بین دو متغیر برابر با ۰/۷۱ می باشد که حاکی از رابطه مثبت و قوی بین دو متغیر می باشد به عبارت دیگر هر چقدر تعامل اجتماعی در بین ساکنان محلات سیزده گانه شهر اردبیل افزایش یابد به همان اندازه نیز حس تعلق مکانی خواهد یافت و برعکس.

جدول ۶: نتایج ضریب همبستگی پیرسون جهت تعیین همبستگی تعامل اجتماعی و حس تعلق مکانی در محلات سیزده گانه شهر اردبیل

متغیر اول	متغیر دوم	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
تعامل اجتماعی	حس تعلق مکانی	۴۰۰	۰/۷۱	۰/۰۰۰

فرضیه سوم: بین مشارکت اجتماعی و حس تعلق مکانی در محلات سیزده گانه شهر اردبیل رابطه معناداری وجود دارد.

طبق نتایج جدول (۷) مقدار عدد ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۳۸ می باشد و سطح معنی داری آزمون برابر ۰/۰۴ است. از آنجا که مقدار سطح معنی داری آزمون کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد (سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵) بنابراین فرض تحقیق پذیرفته می شود و بین مشارکت اجتماعی و حس تعلق مکانی در محلات سیزده گانه شهر اردبیل رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۷: نتایج ضریب همبستگی پیرسون جهت تعیین همبستگی مشارکت اجتماعی و حس تعلق مکانی در محلات سیزده گانه شهر اردبیل

متغیر اول	متغیر دوم	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
مشارکت اجتماعی	حس تعلق مکانی	۴۰۰	۰/۳۸	۰/۰۴

فرضیه چهارم: بین انسجام اجتماعی و حس تعلق مکانی در محلات سیزده گانه شهر اردبیل رابطه معناداری وجود دارد.

طبق نتایج جدول (۸) و با توجه به اینکه سطح معناداری خطای آزمون برای سطح اطمینان ۰/۹۹ کمتر از ۰/۰۱ است، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه سوم تایید می‌شود و بین انسجام اجتماعی و حس تعلق مکانی در محلات سیزده گانه شهر اردبیل رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۸: نتایج همبستگی پیرسون جهت تعیین همبستگی انسجام اجتماعی و حس تعلق مکانی در محلات سیزده گانه شهر اردبیل

متغیر اول	متغیر دوم	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
انسجام اجتماعی	حس تعلق مکانی	۴۰۰	۰/۵۰	۰/۰۰۰

۴-۲- آزمون بارتلت و KMO

در جدول (۹) مقدار آماره KMO برابر با ۰/۸۵۳ می‌باشد که به علت نزدیک بودن این مقدار به عدد ۱، می‌توان نتیجه گرفت که تعداد نمونه آماری برای تحلیل عاملی کافی است. همچنین مقدار معنی داری آزمون بارتلت کوچکتر از ۰/۰۵ است که نشان می‌دهد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار مدل عاملی، مناسب است و فرض شناخته شده بودن ماتریس همبستگی رد می‌شود.

جدول ۹: آزمون بارتلت و KMO

آماره KMO	آماره بارتلت	درجه آزادی	سطح معنی داری
۰/۸۵۳	۹۳۷/۹۸۵	۱۵	۰/۰۰۰

در جدول (۱۰) خروجی پایایی ترکیبی، میانگین واریانس استخراج شده و بارهای عاملی در نرم افزار اسمارت پی ال اس ۳،۲،۶ برای گویه‌های پژوهش ارائه گردیده است. در این جدول مقدار پایایی ترکیبی متغیرهای حس تعلق مکانی، تعامل اجتماعی، آگاهی و دانش و مسئولیت اجتماعی بیشتر از ۰/۷ و ضریب پایایی ترکیبی برای متغیرهای فعالیت‌های اجتماعی و انسجام و هماهنگی اجتماعی کمتر از ۰/۷ می‌باشد، از این رو پایایی این دو متغیر قابل قبول نمی‌باشد. همچنین میانگین واریانس استخراج شده برای متغیرهای انسجام اجتماعی و فعالیت اجتماعی کمتر از ۰/۵ می‌باشد، از این رو مقدار میانگین واریانس استخراج شده مورد قبول نمی‌باشد. ستون بارهای عاملی، مقدار بارهای عاملی تنها در سوالات ۷، ۲۷، ۲۴ و ۲۵ کمتر از ۰/۴ می‌باشد. از این رو این گویه‌ها باید حذف گردند و بررسی بارهای عاملی دوباره صورت بگیرد.

جدول ۱۰: بررسی وضعیت بارهای عاملی گویه‌ها

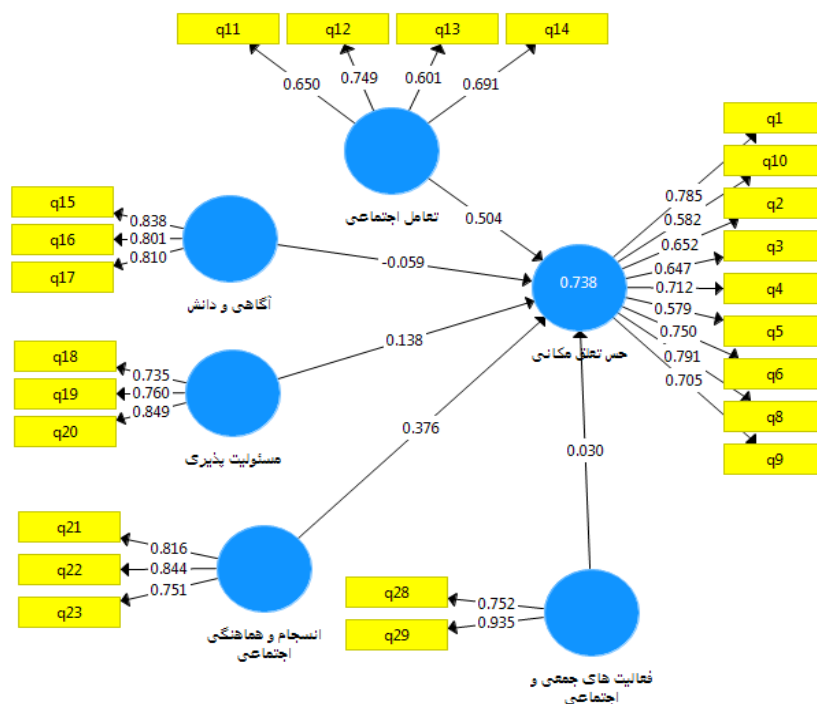
وضعیت بار عاملی	بار عاملی	AVE	پایایی ترکیبی	گویه	متغیر
قابل قبول	۰/۷۸۳	۰/۵۳۸	۰/۸۸۱	سوال ۱	حس تعلق مکانی
قابل قبول	۰/۵۷۲			سوال ۲	
قابل قبول	۰/۶۵۷			سوال ۳	
قابل قبول	۰/۶۴۴			سوال ۴	
قابل قبول	۰/۷۱۵			سوال ۵	
قابل قبول	۰/۵۶۹			سوال ۶	
قابل قبول	۰/۷۴۵			سوال ۷	
غیر قابل قبول	۰/۲۸۷			سوال ۸	
قابل قبول	۰/۷۸۷			سوال ۹	
قابل قبول	۰/۷۰۶			سوال ۱۰	
قابل قبول	۰/۶۴۹	۰/۵۵۶	۰/۷۶۹	سوال ۱۱	تعامل اجتماعی
قابل قبول	۰/۷۴۲			سوال ۱۲	
قابل قبول	۰/۶۰۳			سوال ۱۳	
قابل قبول	۰/۷۰۰			سوال ۱۴	
قابل قبول	۰/۸۳۴	۰/۶۳۷	۰/۸۵۸	سوال ۱۵	آگاهی و دانش
قابل قبول	۰/۸۰۴			سوال ۱۶	
قابل قبول	۰/۸۱۳			سوال ۱۷	
قابل قبول	۰/۷۴۰	۰/۶۱۴	۰/۸۲۶	سوال ۱۸	مستولیت پذیری
قابل قبول	۰/۷۵۴			سوال ۱۹	
قابل قبول	۰/۸۵۲			سوال ۲۰	
قابل قبول	۰/۸۱۵	۰/۳۸۹	۰/۶۴۱	سوال ۲۱	انسجام و هماهنگی
قابل قبول	۰/۸۴۲			سوال ۲۲	
قابل قبول	۰/۷۵۴			سوال ۲۳	
غیر قابل قبول	-۰/۰۶۲			سوال ۲۴	
غیر قابل قبول	-۰/۰۱۶			سوال ۲۵	
قابل قبول	۰/۳۹۷	۰/۳۲۰	۰/۵۷۱	سوال ۲۶	فعالیت های اجتماعی (مشارکت)
غیر قابل قبول	۰/۰۴۲			سوال ۲۷	
قابل قبول	۰/۵۶۸			سوال ۲۸	
قابل قبول	۰/۸۹۴			سوال ۲۹	

جدول ۱۱: بررسی وضعیت بارهای عاملی پس از حذف گویه‌ها

متغیر	گویه	پایایی ترکیبی	AVE	بار عاملی	وضعیت بار عاملی
حس تعلق مکانی	سوال ۱	۰/۸۹۲	۰/۵۴۹	۰/۷۸۴	قابل قبول
	سوال ۲			۰/۵۸۲	قابل قبول
	سوال ۳			۰/۶۵۲	قابل قبول
	سوال ۴			۰/۶۴۷	قابل قبول
	سوال ۵			۰/۷۱۲	قابل قبول
	سوال ۶			۰/۵۷۹	قابل قبول
	سوال ۷			۰/۷۵۰	قابل قبول
	سوال ۹			۰/۷۹۱	قابل قبول
	سوال ۱۰			۰/۷۰۵	قابل قبول
	تعامل اجتماعی			سوال ۱۱	۰/۷۶۹
سوال ۱۲		۰/۷۴۹	قابل قبول		
سوال ۱۳		۰/۶۰۱	قابل قبول		
سوال ۱۴		۰/۶۹۱	قابل قبول		
آگاهی و دانش	سوال ۱۵	۰/۸۵۷	۰/۶۶۷	۰/۸۳۸	قابل قبول
	سوال ۱۶			۰/۸۰۱	قابل قبول
	سوال ۱۷			۰/۸۱۰	قابل قبول
مسئولیت پذیری	سوال ۱۸	۰/۸۲۶	۰/۶۱۳	۰/۷۳۵	قابل قبول
	سوال ۱۹			۰/۷۶۰	قابل قبول
	سوال ۲۰			۰/۸۴۹	قابل قبول
انسجام و هماهنگی	سوال ۲۱	۰/۸۴۶	۰/۶۴۷	۰/۸۱۶	قابل قبول
	سوال ۲۲			۰/۸۴۴	قابل قبول
	سوال ۲۳			۰/۷۱۵	قابل قبول
فعالیت‌های اجتماعی (مشارکت)	سوال ۲۶	۰/۷۱۲	۰/۴۹۶	۰/۲۶۰	غیر قابل قبول
	سوال ۲۸			۰/۷۴۹	قابل قبول
	سوال ۲۹			۰/۹۲۷	قابل قبول

نتایج تحلیل عاملی پس از حذف گویه‌های ۷، ۲۷، ۲۴ و ۲۵ در جدول (۱۱) ارائه گردیده است. پس از حذف این گویه‌ها، مقدار پایایی مرکب و میانگین واریانس استخراج شده متغیرها قابل قبول می‌باشند. همچنین در بین گویه‌ها فقط گویه ۲۶ دارای بار عاملی کمتر از ۰/۴ می‌باشد، از این رو باید حذف شود. نتیجه حذف گویه ۲۶ از مدل مفهومی در شکل ۴ ارائه شده

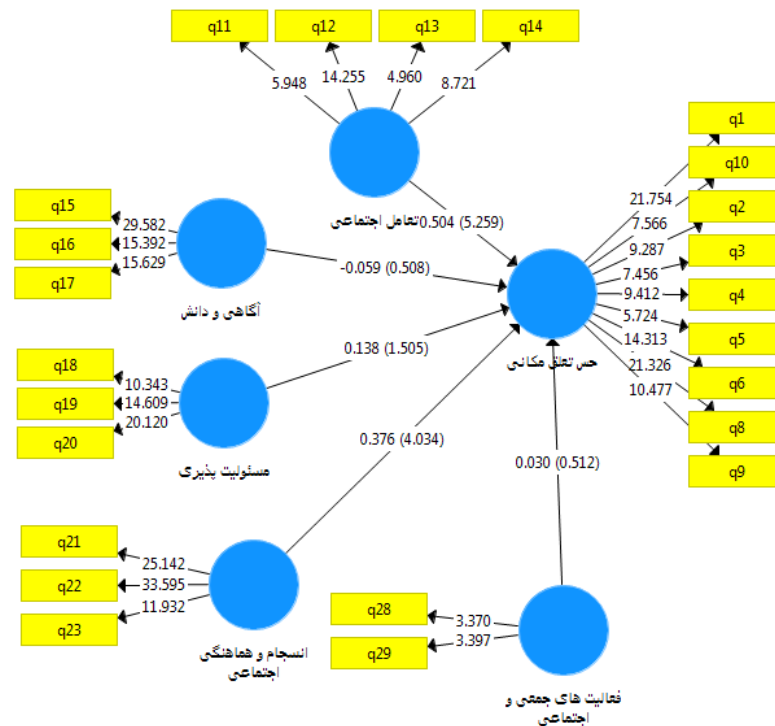
است. از آنجایی که مقدار بار عاملی برای تمامی گویه‌ها بیشتر از ۰/۴ می‌باشد و همچنین مقدار پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراج شده نیز قابل قبول هست، بنابراین می‌توان از داده‌ها برای بررسی ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته استفاده کرد.



شکل ۴: ضریب استاندارد و بارهای عاملی مدل مفهومی پژوهش

۳-۴- تحلیل استنباطی پژوهش

با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم افزار اسمارت پی ال اس به تحلیل مسیر و ضریب معنی‌داری برای هر کدام از فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است به دلیل این که توزیع متغیرهای پژوهش نرمال نمی‌باشد، و نرم‌افزار اسمارت پی ال اس نسبت به نرمال بودن داده‌ها حساس نمی‌باشد، بنابراین برای تحلیل داده‌ها از این نرم افزار استفاده شده است. خروجی ضریب استاندارد و ضریب معنی‌داری به صورت گرافیکی در شکل ۵ ارائه شده است.



شکل ۵: ضریب استاندارد و ضریب معنی‌داری مدل مفهومی پژوهش

۴-۴- تحلیل مسیر و بار عاملی بین متغیرهای پژوهش و حس تعلق مکانی

در جدول (۱۲) مقدار پایایی مرکب متغیرهای مستقل پژوهش مورد بررسی قرار گرفته، به صورتی که میزان پایایی مرکب برای مشارکت اجتماعی ۰/۷۱۲، حس تعلق مکانی ۰/۸۹۲، انسجام و هماهنگی اجتماعی ۰/۸۴۶، مسئولیت‌پذیری ۰/۸۲۶، آگاهی و دانش ۰/۸۵۷ و تعامل اجتماعی ۰/۷۶۹ است که این مقادیر از ۰/۷ بیشتر بوده و میانگین واریانس استخراج شده برای متغیرهای پژوهش به ترتیب ۰/۵۴۹، ۰/۶۹۶، ۰/۶۴۷، ۰/۶۱۳، ۰/۶۶۷ و ۰/۵۵۶ می‌باشد، که بیشتر یا برابر با ۰/۵ است. همچنین در شکل (۴) مقدار بارهای عاملی برای گویه‌ها بیشتر از ۰/۴ می‌باشد. بنابراین شاخص‌های پایایی مرکب و میانگین واریانس استخراج شده و بارهای عاملی قابل قبول می‌باشند. در ضمن می‌توان گفت تغییرات حس تعلق مکانی تحت تاثیر متغیرهای مستقل پژوهش بوده، اما شدت ارتباط بین متغیرها ضعیف می‌باشد.

در شکل (۵) نتایج آزمون تاثیر متغیرهای مستقل پژوهش و حس تعلق مکانی مورد بررسی قرار گرفت، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیرهای انسجام و هماهنگی و تعامل اجتماعی با حس تعلق مکانی به صورت مثبت و مستقیم ارتباط معنی‌داری برقرار می‌باشد. با توجه به این که مقدره آماره t برای انسجام و هماهنگی اجتماعی برابر با $۴/۰۳۴$ و تعامل اجتماعی $۵/۲۵۹$ بوده و از مقدار $۱/۹۶$ بیشتر می‌باشد و همچنین سطح معنی‌داری (سطح معنی‌داری^۱) کمتر از سطح خطای $۰/۰۵$ می‌باشد، بنابراین ادعای پژوهش (فرض تحقیق) مورد قبول واقع شده و ادعای مخالف (فرض صفر) یعنی عدم تاثیر متغیرهای انسجام و هماهنگی اجتماعی و تعامل اجتماعی بر حس تعلق مکانی رد می‌شود. اما در مورد باقی متغیرهای پژوهش ادعای پژوهش (فرض تحقیق) رد شده و ادعای مخالف پژوهش (فرض صفر) یعنی عدم تاثیر متغیرهای مشارکت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و آگاهی و دانش بر متغیر وابسته حس تعلق مکانی مورد تایید قرار می‌گیرد.

جدول ۱۲: خروجی تحلیل مسیر بین متغیرهای پژوهش و حس تعلق مکانی شهروندان

متغیر	پایایی مرکب	میانگین واریانس استخراج شده	بارهای عاملی
حس تعلق مکانی	۰/۸۹۲	۰/۵۴۹	بیشتر از ۰/۴ و قابل قبول
مشارکت اجتماعی	۰/۷۱۲	۰/۴۹۶	بیشتر از ۰/۴ و قابل قبول
انسجام و هماهنگی اجتماعی	۰/۸۴۶	۰/۶۴۷	بیشتر از ۰/۴ و قابل قبول
مسئولیت‌پذیری	۰/۸۲۶	۰/۶۱۳	بیشتر از ۰/۴ و قابل قبول
آگاهی و دانش	۰/۸۵۷	۰/۶۶۷	بیشتر از ۰/۴ و قابل قبول
تعامل اجتماعی	۰/۷۶۹	۰/۵۵۶	بیشتر از ۰/۴ و قابل قبول

جدول ۱۳: نتایج آزمون تاثیر متغیرهای مستقل پژوهش بر حس تعلق مکانی

فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	درجه آزادی	آماره t	سطح معنی داری	وضعیت H_1
اول	مشارکت اجتماعی	حس تعلق مکانی	۳۸۹	۰/۵۱۲	۰/۶۳۳	رد
دوم	انسجام و هماهنگی	حس تعلق مکانی	۳۸۹	۴/۰۳۴	۰/۰۰۰	تایید
سوم	مسئولیت‌پذیری	حس تعلق مکانی	۳۸۹	۱/۵۰۵	۰/۱۰۳	رد
چهارم	آگاهی و دانش	حس تعلق مکانی	۳۸۹	۰/۵۰۸	۰/۵۴۹	رد
پنجم	تعامل اجتماعی	حس تعلق مکانی	۳۸۹	۵/۲۵۹	۰/۰۰۰	تایید

۴-۴- برآزش مدل مفهومی

در جدول (۱۴) برآزش مدل کل پژوهش ارائه شده است. با توجه به این که مقدار اندازه اثر کل مدل مفهومی ۱/۲۳ است که کمتر از ۵ می‌باشد، همچنین مقدار معیار Q^2 برابر با ۰/۳۴۶ و مقدار معیار GoF برابر با ۰/۳۷۵ است که به دلیل نزدیک بودن به مقدار ۰/۳۵ مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۱۴: برآزش کلی مدل مفهومی پژوهش

اندازه اثر	معیار Q^2	معیار GoF
۱/۲۳	۰/۳۴۶	۰/۳۷۵

۵- بحث و نتیجه‌گیری

حس تعلق به مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند می‌خورد و یکپارچه می‌شود. با توجه به نتایج بدست آمده، میزان ضریب مسیر یا ضریب همبستگی بین مشارکت اجتماعی و حس تعلق مکانی ۰/۰۳۰ می‌باشد که نشان می‌دهد رابطه بین مشارکت اجتماعی و حس تعلق مکانی به صورت مثبت و مستقیم می‌باشد. از آنجایی که ضریب تعیین بین دو متغیر ۰/۰۰۰۹ می‌باشد، بنابراین ۰/۰۰۰۹ از تغییرات حس تعلق مکانی تحت تاثیر متغیر مشارکت اجتماعی می‌باشد. اما شدت ارتباط بین دو متغیر ضعیف می‌باشد. با توجه به اینکه مقدار آماره t برابر با ۰/۵۱۲ بوده و از مقدار ۱/۹۶ بیشتر می‌باشد و همچنین سطح معنی داری بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین ادعای پژوهش (فرض تحقیق) رد شده و ادعای مخالف (فرض صفر) یعنی عدم تاثیر مشارکت اجتماعی بر حس تعلق مکانی تأیید می‌شود. در مورد حس همبستگی در

محدوده مورد مطالعه نتایج تحقیق گویای این است که ۰/۱۴ از تغییرات حس تعلق مکانی تحت تاثیر متغیر انسجام و هماهنگی اجتماعی می‌باشد. همچنین میزان ضریب مسیر بین انسجام و هماهنگی اجتماعی و حس تعلق مکانی ۰/۳۶۷ می‌باشد که نشان می‌دهد رابطه بین انسجام و هماهنگی اجتماعی و حس تعلق مکانی به صورت مثبت و مستقیم می‌باشد. با توجه به این که مقدره آماره t برابر با ۴/۰۳۴ بوده و از مقدار ۱/۹۶ بیشتر می‌باشد و همچنین سطح معنی‌داری کمتر از سطح خطا ($0/000 > 0/05$) می‌باشد، بنابراین ادعای پژوهش (فرض تحقیق) رد شده و ادعای مخالف (فرض صفر) یعنی عدم تاثیر انسجام و هماهنگی اجتماعی بر حس تعلق مکانی تائید می‌شود. بر طبق نتایج تحقیق میزان ضریب مسیر بین مسئولیت پذیری و حس تعلق مکانی ۰/۱۳۸ می‌باشد که نشان می‌دهد ارتباط بین مسئولیت‌پذیری و حس تعلق مکانی به صورت مثبت و غیرمستقیم می‌باشد. از آنجایی که ضریب تعیین بین دو متغیر ۰/۰۱۹ می‌باشد، بنابراین ۰/۰۱۹ از تغییرات حس تعلق مکانی تحت تاثیر متغیر مسئولیت‌پذیری می‌باشد. در ضمن با توجه به این که مقدره آماره t برابر با ۱/۵۰۵ بوده و از مقدار ۱/۹۶ بیشتر می‌باشد و همچنین سطح معنی‌داری بیشتر از سطح خطا ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین ادعای پژوهش (فرض تحقیق) رد شده و ادعای مخالف (فرض صفر) یعنی عدم تاثیر مسئولیت‌پذیری بر حس تعلق مکانی تائید می‌شود. طبق نتایج تحقیق میزان ضریب مسیر بین آگاهی و دانش و حس تعلق مکانی ۰/۰۵۹- می‌باشد که نشان می‌دهد ارتباط بین آگاهی و دانش و حس تعلق مکانی به صورت مثبت و غیرمستقیم می‌باشد. از آنجایی که ضریب تعیین بین دو متغیر ۰/۰۰۳ می‌باشد، بنابراین ۰/۰۰۳ از تغییرات حس تعلق مکانی تحت تاثیر متغیر آگاهی و دانش می‌باشد. برای آزمون ضریب معنی‌داری آگاهی و دانش بر حس تعلق مکانی داریم. با توجه به این که مقدره آماره t برابر با ۰/۵۰۸ بوده و از مقدار ۱/۹۶ بیشتر می‌باشد و همچنین سطح معنی‌داری بیشتر از سطح خطا ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین ادعای پژوهش (فرض تحقیق) رد شده و ادعای مخالف (فرض صفر) یعنی عدم تاثیر آگاهی و دانش بر حس تعلق مکانی تائید می‌شود. همچنین میزان ضریب مسیر بین تعامل اجتماعی و حس تعلق مکانی ۰/۵۰۴ می‌باشد که نشان می‌دهد رابطه بین تعامل اجتماعی و حس تعلق مکانی به صورت مثبت و مستقیم می‌باشد. از آنجایی که ضریب تعیین بین دو متغیر ۰/۲۵۴ می‌باشد، بنابراین ۰/۲۵ از تغییرات حس تعلق مکانی تحت تاثیر متغیر تعامل اجتماعی می‌باشد. با توجه به این که مقدره آماره t برابر با ۵/۲۵۹ بوده و از مقدار ۱/۹۶ بیشتر می‌باشد و همچنین سطح معنی‌داری کمتر از سطح خطا ($0/000 > 0/05$) می‌باشد، بنابراین ادعای پژوهش (فرض تحقیق) تائید شده و ادعای مخالف (فرض صفر) یعنی عدم تاثیر تعامل اجتماعی بر حس تعلق مکانی رد می‌شود.

در تحقیق حاضر پیشنهادها به دو منظور ارائه می‌گردد:

الف- پیشنهادها در راستای نتایج تحقیق؛ ارائه پیشنهادات کاربردی در راستای افزایش حس تعلق مکانی در محلات سیزده‌گانه شهر اردبیل

با توجه به نتایج پژوهش و بررسی وضعیت کالبدی و اجتماعی محلات هدف به صورت میدانی، پیشنهاداتی در زمینه بهبود این محلات در راستای ارتقای حس تعلق مکانی و شخصیت بخشی دوباره در اذهان عمومی ساکنین شهر نسبت به ساکنین این محلات، در زیر سه اولویت مد نظر قرار می‌گیرد:

۱- در بعد کالبدی، وجود تمایزات شخصیتی و نمونه‌های خاص در محلات سیزده‌گانه شهر اردبیل از جمله امامزاده سیدصدرالدین، آرامگاه میر اشرف، تپه پارک باستانی میر اشرف و غیره را می‌توان عامل شاخص شدن این محلات نسبت به سایر محلات شهر اردبیل دانست. هنجارهای تمایز شخصیتی، بومی‌گرایی و محصوریت پیوند عمیقی با حس تعلق داشته و عاملی بر ایجاد انسجام کالبدی- فضایی در محله است. بنابراین باززنده سازی این مکانها می‌تواند در هویت بخشی دوباره به این محلات و ایجاد فضاهای جمعی با نشاط مفید واقع گردد.

۲- در بعد معنا و ذهن، وجود عناصر نشانه‌ای هویت بخش و خاطره انگیز مانند کوره‌های آجرپزی در محلات سیزده‌گانه سبب معنا بخشی به فضای محلات گشته و ضمن تقویت خوانایی و نمایانی محله، می‌تواند عاملی جهت تقویت حس تعلق به مکان باشد. لذا جهت باززنده سازی خاطرات گذشته می‌توان با طراحی مکانهای تفریحی در کناره‌های این مکان، امکان برقراری تعاملات اجتماعی و جاری شدن حس سرزندگی در محله فراهم نمود.

۳- تقویت روحیه جمعی اهالی در راستای ایجاد انسجام اجتماعی و بازگرداندن امید به زندگی در سطح منطقه با اختصاص اعتبارات مالی لازم جهت خدمات‌دهی مناسب به ساکنین محلات.

ب- ارائه پیشنهادات پژوهشی برای تحقیقات آتی

- پیشنهاد می‌گردد در چارچوب نظری از دیدگاه‌ها و نظریه‌های دیگری به عنوان ابعاد مختلف هویت شهری استفاده گردد.

- پیشنهاد می‌گردد که در خصوص برنامه‌ریزی حس تعلق به مکان‌های شهری بر مبنای عوامل کلان و خرد موثر بر این امر، پژوهشی انجام گردد.

- پیشنهاد می گردد تا پژوهش حاضر در شهرهای تقریباً همگون انجام گرفته و نتایج آن با نتایج پژوهش حاضر مقایسه گردد.

منابع

- احمدی، فرزانه؛ افشار، علی و آقالطیفی، آزاده (۱۳۹۳). عوامل تاثیرگذار بر حس تعلق در فرآیند بازآفرینی در بافت مسکونی اطراف حرم حضرت امام رضا (ع) محله نوغان. نشریه هفت شهر، ۴۸ و ۴۷، ۸۴-۷۰.
- بهزادفر، مصطفی و برین، علی (۱۳۸۷). ساماندهی هویتی شهر جدید هشتگرد. فصلنامه ساخت شهر، ۵ (۱۰-۱۱)، ۲۴-۱۱.
- پرتوی، پروین (۱۳۸۲). مکان و بی مکانی رویکردی پدیدار شناسانه. نشریه هنرهای زیبا، ۱۴ (۱۴)، ۵۰-۴۰.
- حبیبی، رعنا سادات (۱۳۸۷). تصاویر ذهنی و مفهوم مکان. نشریه هنرهای زیبا، ۳۵، ۵۰-۳۹.
- حسینی، سید باقر (۱۳۸۷). حرکت و زمان در منظرشهری، انگاره ها و مفاهیم طراحی. نشریه بین المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، ویژه نامه مهندسی معماری و شهرسازی، جلد ۱۹.
- دانشپور، عبدالهادی؛ سپهری مقدم، منصور و چرخچیان، مریم (۱۳۸۸). تبیین مدل دل بستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۱ (۳۸)، ۴۸-۳۷.
- رحمانی، جواد و پورجعفر، محمد رضا (۱۳۹۵). تحلیل و بررسی شاخص های موثر در هویت محله (نمونه موردی: محله مسگرهای شهر زنجان). نشریه معماری و شهرسازی پایدار، ۴ (۱)، ۳۰-۱۹.
- رضویان، محمدتقی؛ شمس پویا، محمد کاظم و ملاتبارالهی، عبدالله (۱۳۹۳). کیفیت محیط کالبدی و حس مکان، مورد شناسی: دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی تهران. مجله جغرافیا و آمایش شهری و منطقه ای، ۴ (۱۰)، ۹۶-۸۷.
- شارع پور، محمود (۱۳۸۷). رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان - مطالعه موردی شهر تهران. نامه علوم اجتماعی، ۱۰ (۲۰): ۱۴۷-۱۳۳.
- شیعه، اسماعیل (۱۳۸۵). مقدمه ای بر برنامه ریزی شهری (چاپ پانزدهم)، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.

- صمیمی شارمی، علی و پرتوی، پروین (۱۳۸۸). بررسی و سنجش حس مکان در محلات ارگانیک و برنامه‌ریزی شده مورد پژوهی: محله ساغریسازان و بلوار گیلان در شهر رشت. *نامه معماری و شهرسازی*، ۲(۳)، ۴۰-۲۳.
- غراب، ناصرالدین (۱۳۹۰). *هویت شهری*. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- غلامی، محمد و حیاتی، عقیل (۱۳۹۲). بررسی تاثیر هویت کالبدی بر انسجام اجتماعی مطالعه موردی؛ محله اوین شهر تهران. *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۳(۳۰)، ۱۵۰-۱۳۱.
- فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن. *نشریه هنرهای زیبا*، ۲۶، ۶۶-۵۷.
- کرد درونکلایی، سکینه و عسکری رابری، مسعود (۱۳۸۵). هویت شهری بر بنای جنبه‌های زیبایی شناسی محیط. *مجموعه مقالات همایش بین المللی شهرهای جدید (چاپ اول)*. تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
- کمیلی، محمد (۱۳۸۹). تحلیل عملکرد عناصر هویت بخش به منظر شهری بخش مرکزی تهران. *فصلنامه مدیریت شهری*، ۴۲: ۲۲۶-۲۰۹.
- مویر، ریچارد (۱۳۷۹). *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*. ترجمه دره میرحیدر و یحیی صفوی، تهران: سازمان ژئوپلیتیک.
- موسوی، یعقوب (۱۳۸۰). مبانی شهری توسعه از نوع محله‌ای. *مجموعه مقالات همایش محلات تهران، چالش‌ها و راهبردها*، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران.
- نگین تاجی، صمد (۱۳۹۰). بررسی نقش عوامل کالبدی در تشکیل مفهوم مکان. *نشریه منظر*، ۳(۱۳): ۲۹-۲۴.
- وارثی، حمیدرضا؛ عامل بافنده، مهدی و محمدزاده، محمد (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل مولفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر گلبهار). *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۱(۲): ۱۷-۳۶.
- Casey, E., S., (1993). *Getting back into place: Toward a renewed understanding of the place-world*. Indiana University Press.
- Cross, J. E. (2001). *What is sense of place?*. 12th Headwaters Conference. Western State College, reterived from <https://mountainscholar.org/bitstream/handle/10217/180311/FACFSO>

LO_Cross_2001_Headwaters%20XII_Sense%20of%20Place.pdf?sequence=4&isAllowed=y

- Faulks, K. (2000). *Citizenship*. New York: Routledge
- Harrison, S., & Dourish, P. (۲۰۰۳). Re-place-ing space: the roles of place and space in collaborative systems. In *Proceedings of the 1996 ACM conference on Computer supported cooperative work* (pp. 67-76).
- Ismail, I. S., Shamsuddin, S., & Sulaiman, A. B. (2008). An evaluation of resident's perception of identity in Putrajaya new town. *Jurnal Alam Bina*, 13(4), 37-51.
- King, R. (1996). *Emancipating space: geography, architecture, and urban design*. New York: Guilford Press.
- Low, S. M. & Altman, I. (1992). Place attachment: A conceptual inquiry. I. Altman & SM Low (Eds.), *Place attachment*, 1-12.
- Lynch, K. (2001). *Good city form*. Cambridge, Mass. u.a.: MIT Press.
- Sakhaeifar, A., & Ghoddusifar, S. H. (2016). Impact of location-behavior on sense of belonging to place. *Modern Applied Science*, 10(5), 57.
- Steele, F. (1981). *The sense of place*. Boston: CBI Publishing Company.
- Tuan, Y., F., V., (2001). *Space and place: The perspective of experience*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Xu, Yan. (1995). *Sense of place and identity*. Retrieved from Research on Place & Space Website; 20 Feb. 2003; 12 Mar. 2003, <http://www.eslarp.uiuc.edu/la/LA437-F95/reports/yards/main.html>.